

## تحلیل محتوای گزاره‌های دینی ناظر به نظریه‌گزینش عقلانی

ابراهیم عباسپور\*

### چکیده

این پژوهش به بررسی رابطه بین دین و مبانی اسلامی با علوم اجتماعی پرداخته است. هدف این نوشتار یافتن پاسخ‌های قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به پرسش‌هایی است که در روایت‌های گوناگون رویکرد گزینش عقلانی، پیرامون متغیرهای اثرگذار در تعریف، شکل‌گیری و کنترل کجروی مطرح است. از این رو، محورها و پرسش‌های اساسی موردنظر در این روایت‌ها، گردآوری و در مقوله‌هایی موضوعی دسته‌بندی شده است. مقوله‌ها به شکل پرسش بر قرآن کریم و منابع حدیثی شیعه، عرضه، و محصول در قالب توصیف دیدگاه‌های قرآنی و حدیثی ناظر به آنها سامان‌دهی شده است. تحقیق از نوع «تحلیل محتوای توصیفی و کیفی»، و هدف جزئی پژوهش، «تحلیل محتوای قرآن و منابع روایی و تفسیری» است. موضوع مقاله عبارت است از: توصیف نگاه قرآن و احادیث شیعه پیرامون ابعاد نقش آفرینی «گزینش عقلانی» در تعریف، تبیین و کنترل کجروی.

کلیدواژه‌ها: آیات قرآن، احادیث شیعه، تحلیل محتوا، تبیین، کنترل، گزینش عقلانی، اختیار، تعریف کجروی.

## مقدمه

کریم و منابع حدیثی شیعه، عرضه، و محصول در قالب توصیف دیدگاه‌های قرآنی و حدیثی ناظر به آنها سامان‌دهی میشود. تحقیق از نوع «تحلیل محتوای توصیفی و کیفی»، و هدف جزئی پژوهش، «تحلیل محتوای قرآن و منابع روایی و تفسیری» است. موضوع نیز عبارت است از: توصیف نگاه قرآن و احادیث شیعه پیرامون ابعاد نقش‌آفرینی «گزینش عقلانی» در تعریف، تبیین و کنترل کجروی.

تلاش‌های صورت‌گرفته در مورد علم دینی هر کدام به نحوی گوشه‌ای از این رسالت را بر دوش می‌کشند و البته به نظر می‌رسد توجه و واکاوی مبانی فلسفی و بنا نهادن نظریه‌ای بر مبنای فلسفه اسلامی و تعالیم وحی متقن‌ترین راه‌حل باشد، ولی از این نکته هم نباید غافل بود که چنانچه نظریه اسلامی تولید شد، باید این نظریه در مورد تمامی جنبه‌های مربوط به محورهای مورد بررسی خود بتواند نیازهای یک جامعه اسلامی را برآورده سازد؛ یعنی در واقع، پاسخ‌های داده‌شده باید براساس آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام باشد. به عبارتی، علم اسلامی علمی است برگرفته از آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم‌السلام که به نیازهای یک جامعه بیش از هزار و چهارصد سال قبل از این پاسخ داده و ما باید به صورتی روشمند این پاسخ‌ها را به جامعه علمی عرضه کنیم. تحقیق حاضر در راستای این هدف اساسی انجام می‌شود و می‌کوشد پرسش‌های مطرح در نظریه‌های کجروی را به قرآن و روایات عرضه کرده و پاسخ‌ها را براساس تعالیم وحی به دست آورد. می‌توان ادعا کرد که ما در این تحقیق به دنبال این مطلب هستیم که بدنه گزاره‌ای موردنیاز در نظریه اجتماعی کجروی را در راستای نظریه گزینش عقلانی تهیه کنیم. البته بر این نکته هم معترفیم که

سالیان درازی است که از خردورزی‌های محققان پیرامون شناخت علل کجروی و راه‌های کنترل آن می‌گذرد و در طی این سال‌ها به عنوان دستاوردی نهایی در حوزه مطالعه جرم و کجروی، رویکرد گزینش عقلانی به دو دلیل اساسی به رویکردی محوری در عرصه تبیین و کنترل کجروی بدل شده است: نخست، نقطه عطفی که این رویکرد با توجه به اثرپذیری انسان از علل پیرامونی در محتوای نظریه‌های کلاسیک کجروی پدید آورده است؛ و دیگر، تحول عمده‌ای که با پذیرش عنصر «اختیار مشروط» در محتوای نظریه‌های معاصر خرد و کلان اثبات‌گرا در عرصه تبیین و کنترل کجروی، ایجاد کرده است.

این در حالی است که مطالعات اولیه نشان می‌دهند که قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام، به ویژه با توجه به بار معنایی «اختیار» در کلام شیعه، اصولاً روایتی از جنس رویکرد گزینش عقلانی را در عرصه تبیین و کنترل کجروی به کار گرفته‌اند که البته بر پیش‌فرض‌های انسان‌شناختی، هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی خاص خود، تکیه دارد. و این امر، باید به عنوان یکی از نوآوری‌های اسلام در حوزه تبیین و کنترل کجروی، مورد تفسیر و تحلیل قرار گیرد.

پژوهش حاضر یکی از تلاش‌هایی است که در راستای این هدف مهم حرکت می‌کند و در پی یافتن پاسخ‌های قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به پرسش‌هایی است که در روایت‌های گوناگون رویکرد گزینش عقلانی، پیرامون متغیرهای اثرگذار در تعریف، شکل‌گیری و کنترل کجروی مطرح است. از این‌رو، محورها و پرسش‌های اساسی موردنظر در این روایت‌ها را گردآوری نموده، آنها را در مقوله‌هایی موضوعی دسته‌بندی کرده است. مقوله‌ها به شکل پرسش بر قرآن

مباحث جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی دارد. مفهوم «انسان مختار» در قرن هفدهم میلادی و در ایده‌های مکتب جرم‌شناسی کلاسیک ظهور کرد و همزمان با حاکمیت اثبات‌گرایی در علوم طبیعی و انسانی و به ویژه با گسترش تفکر «روایی روش‌های علوم طبیعی در مطالعهٔ انسان و جامعه»، به حاشیه رانده شد. این مفهوم مجدداً در اوایل قرن بیستم و در قالب رویکردی به نام «اراده‌گرا»، خود را در نظریه‌های مختلف جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی، جلوه‌گر ساخت. تبیین‌های گزینش عقلانی از اواسط دهه ۱۹۷۰ به تدریج، حضور دوباره خود را در عرصه‌های متفاوت تبیین نشان داد و با نام «رویکرد گزینش عقلانی»، جایگاهی خاص و قابل توجه را در قلمرو تبیین کجروی به دست آورد.<sup>(۵)</sup>

مکتب کلاسیک، که به عنوان اولین ثمرهٔ منسجم فرایند نظریه‌پردازی در باب جرم و کجروی در افکار و اندیشه‌های فیلسوفان و منتقدانی اجتماعی مانند ولتر و روسو و پس از آن دو، بکاریا و بنتام ریشه دارد، در تبیین جرم، از مفاهیمی مانند اختیار، تصمیم‌گیری فایده‌گرایانه و تصور قرارداد اجتماعی سخن می‌گوید.<sup>(۶)</sup>

به اعتقاد سزار بکاریا و جر می بنتام، افراد هنگامی که معتقد باشند منافع حاصل از کجروی بر لطمات ناشی از آن می‌چربد، کجروی را انتخاب می‌کنند. نظریهٔ کلاسیک بر مفاهیم حقوق فردی، ظرفیت و توان تعقل در انسان و «قانون و نظم» تکیه دارد؛ نگرشی اراده‌گرایانه در باب طبیعت انسان. این نگرش بر اختیار و انتخاب فردی او تأکید می‌کند و نحوهٔ مصروف شدن استعدادها، مهارت‌ها و توان اشخاص را مبتنی بر قوهٔ ابتکار و انتخاب فردی می‌داند. این دیدگاه انسان‌ها را ذاتاً افرادی خودخواه و منفعت‌طلب به حساب می‌آورد و ماهیت جرم و کجروی را نوعی گزینش ناروا می‌داند که منشأ آن در درون افراد

پژوهشی اینچنین، تلاشی نهایی نیست که فصل‌الخطاب باشد، بلکه نیازمند تلاش‌های مستمر و قوی‌تر از این است. روش انجام تحقیق، تحلیل محتوای «توصیفی» و «کیفی» با مقوله‌های تحلیل «موضوعی» (ناظر به محتوای پیام‌های گزاره‌های دینی) است که با رهیافت قیاسی در تدوین مقوله‌های تحلیل (یعنی مقوله‌بندی بر اساس یافته‌های نظری و تجربی موجود در حوزهٔ نظری گزینش عقلانی) همراه می‌باشد.

در این زمینه کتابی که مستقل و مستقیم به موضوع پرداخته باشد، یافت نشد، ولی منابع زیر غیرمستقیم به موضوع پرداخته‌اند: مقاله‌های «تبیین رفتار مبتنی بر اختیار»،<sup>(۱)</sup> «پیشگیری از جرم در پیشینهٔ تفکر اسلامی»<sup>(۲)</sup> و نیز کتاب‌های «همنشینی و کجروی: نگاهی به دیدگاه‌های اسلامی و یافته‌های اجتماعی»<sup>(۳)</sup> و «پیشگیری وصفی با رویکرد سیاست جنایی اسلام».<sup>(۴)</sup>

سؤال اصلی مقاله عبارت است از: دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام پیرامون محورهایی که در رویکرد گزینش عقلانی در زمینهٔ تعریف، تبیین و کنترل کجروی مطرح شده‌اند چیست؟

همچنین سؤال‌های فرعی مقاله عبارتند از: ۱. از دیدگاه قرآن و احادیث شیعه، آیا تعریف کجروی براساس محتوای رویکرد گزینش عقلانی قابل پذیرش است؟ ۲. از دیدگاه قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام آیا متغیرهای خرد و کلان موردنظر در رویکرد گزینش عقلانی در شکل‌گیری کجروی مؤثرند؟

### چارچوب نظری

کشاکش آراء در مورد نقش کنشگر و ارادهٔ او در شکل‌گیری کنش‌های انسانی و از سوی دیگر، نقش محدودکنندهٔ ساختارهای اجتماعی، عرض عریضی در

در نبرد با دو جبهه رفتارگرایی و کارکردگرایی ساختاری بدعت نهاد که بر تعیین یافتن رفتار آدمی توسط هنجارها و محرک‌های خارجی تأکید دارند. به اعتقاد دیوید لویس و ریچارد اسمیت، نظریه کنش متقابل نمادین تحت تأثیر رویکرد تسمیه‌گرایانه شکل گرفت. این رویکرد بر آن است: هرچند پدیده‌های سطح کلان وجود دارند، اما بر آگاهی و رفتار افراد، اثر مستقل و تعیین‌کننده‌ای ندارند و به عبارتی، این دیدگاه افراد را از نظر وجودی عاملان آزادی می‌انگارد که هنجارها، باورها و نقش‌های اجتماع را برحسب منافع شخصی و طرح‌های لحظه‌ای خود، می‌پذیرند، رد می‌کنند، تعدیل می‌نمایند و یا تعریف می‌کنند.<sup>(۸)</sup>

نظریه کنش متقابل نمادین بر این اعتقاد است که انسان‌ها در فراگرد اجتماعی شدن نقشی فعال ایفا می‌کنند و به خاطر توانایی اندیشیدن و بازاندیشی ذهنی، هر آنچه را در این فراگرد آموزشی - اجتماعی کسب می‌کنند، درست نمی‌پذیرند، بلکه برحسب موقعیت و مصالح زمانی و مکانی، در این فراگرد دخل و تصرف می‌کنند و تلاش می‌کنند اطلاعات و داده‌های به دست آمده در این فراگرد را شکل جدیدی بخشند تا آنها را با نیازهایشان سازگار سازند.<sup>(۹)</sup>

مکتب کنش متقابل نمادین، گزینشگر بودن انسان‌ها را متذکر می‌شود و بر آن است که انسان‌ها تا اندازه‌ای به خاطر قدرت پرداخت معانی و نمادها، برخلاف جانوران پست‌تر، می‌توانند در کنش‌هایی که درگیرشان می‌شوند، به گزینش دست یازند. انسان‌ها نیازی به این ندارند که معانی و نمادهایی را که از بیرون به آنها تحمیل می‌شود، بپذیرند. انسان‌ها بر پایه تفسیر شخصی‌شان از موقعیت، می‌توانند معانی و وجوه معنایی تازه‌ای را ساخته و پرداخته کنند.<sup>(۱۰)</sup>

تفسیر شخصی از موقعیت، نمایانگر سنجیدن

عقل و اندیشمند است؛ افرادی که یا با سنجیدن پاداش‌ها و پیامدهای منفی عملی نادرست، گامی حساب شده در جهت انجام خطا برمی‌دارند و یا با به کارگیری نامناسب قوه تعقل، خود را در آن درگیر می‌کنند. دیدگاه مزبور در نهایت، نتیجه می‌گیرد: افرادی که مرتکب جرم می‌شوند باید مجازات شوند؛ زیرا مسئولیت انجام آن رفتار، نهایتاً بر عهده خود آنان است.

تبیین‌های گزینش عقلانی، برخلاف نظریه کلاسیک، در همان حال که اثرگذاری علل و عوامل پیرامونی در سمت و سو دادن به رفتار را مورد توجه قرار می‌دهند، ماهیت کجروی را نوعی تصمیم‌گیری فردی و گزینش عقلانی قلمداد می‌کنند و مدعی‌اند که فرد با محاسبه مضرات و منافع حاصل از کجروی، به آن دست می‌زند، و به تبع، فرد را مسئول پیامدهای رفتار خود می‌دانند. در بیان دیگر، این نظریه‌ها «معلول» را کنش آگاهانه و اختیاری فرد و «علت» را چیزی می‌دانند که به او انگیزه عمل می‌دهد؛ و از این چشم‌انداز، در نقطه مقابل تبیین‌های اثبات‌گرا قرار می‌گیرند.

رویکرد «گزینش عقلانی» به دلایلی چند، به دیدگاهی غالب در حوزه تبیین کجروی بدل شده است: نخست، نقش مهم آن در شکل دادن به برخی تبیین‌های عمده کجروی؛ دوم، حضور جدی مؤلفه‌های آن در روایت‌های نوین تبیین‌های کجروی؛ سوم، نقطه عطفی که در محتوای رویکردهای کلاسیک ایجاد کرده است؛ و دیگر آنکه نظریه‌های معاصر گزینشی، گستره وسیعی از نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی را پوشش داده و با مدنظر قرار دادن عوامل مورد عنایت در آنها، به تبیین رفتار افراد در جامعه می‌پردازند.<sup>(۷)</sup>

یکی از مهم‌ترین تبیین‌های گزینشی، نظریه کنش متقابل نمادین است. بلومر نظریه کنش متقابل نمادین را

موقعیت از طرف انسان، و گزینش یک موقعیت، نشان‌دهندهٔ گزینشگر بودن او است.

یکی از بنیادهای مهم نظریهٔ مبادله نیز «اراده‌گرایی» است.<sup>(۱۱)</sup> نظریهٔ مبادله، رفتار روزمره را پاسخی به خواسته و محاسبه فردی می‌داند و بر آن است که کنشگران در انتخاب‌های خود از آزادی زیادی برخوردارند و تأکید زیاد بر محدودیت‌های اعمال‌شده توسط نیروهای خارجی به پوچی منجر خواهد شد. از نگاه این نظریه، در امور انسانی، «انتخاب» نقش قابل ملاحظه‌ای دارد و تجلی فرهنگ مسلط به هر شکل هم که باشد، هرگز به آن اندازه نیست که بتواند به طور کامل کنش‌های مردم را معین سازد.<sup>(۱۲)</sup>

نظریه‌پردازان مبادله با پذیرش این فرض که افراد بر اساس منافع فردی دست به کنش می‌زنند، و کنش‌های آنان در خلأ صورت نمی‌گیرد، بلکه «هر کسی در ازای آنچه که می‌گیرد، چیزی باید بدهد و در صورت بی‌توجهی به دیگری، هیچ تعامل اجتماعی صورت نخواهد گرفت»،<sup>(۱۳)</sup> بر اهمیت و نقش محاسبه و سنجش در اعمال انسان تأکید کرده و بر این اعتقادند که دریافت پاداش همیشه متضمن هزینه است و هزینه به عنوان کوششی تعریف می‌شود که منتج به حصول رضایت و پاداش‌های بالقوه‌ای شده است که در نتیجه، یک انتخاب من و کنارگذاشتن انتخاب‌های دیگر حاصل شده است.<sup>(۱۴)</sup>

نظیر این رویکرد را در حوزهٔ پدیدارشناسی و در نظریهٔ امثال شوتس هم می‌توان مشاهده کرد. از مجموع مباحث شوتس به این نتیجه می‌توان دست پیدا کرد که کنشگران برای ساختن هر واقعیتی - که بنخواهند - آزادی عمل دارند. اما او هم هنگام بحث در مورد قلمرو جهان اجتماعی، برداشت متفاوتی را برمی‌انگیزاند و می‌گوید: «در اینجا احساس می‌کنیم که کنشگران ملزم به رعایت

هنجارها و ارزش‌های جامعه‌اند و حتی گهگاه تحت نظارت آنها قرار دارند.»<sup>(۱۵)</sup>

شوتس روابط انسان‌ها را در قلمروهای متفاوتی نگریسته است و حتی در قلمرو جهان اجتماعی هم که ساختارها یا نمونه‌ها را دارای حاکمیت می‌داند، به «موقعیت‌های بحث‌انگیز» اشاره دارد که رفتار دیگران برخلاف انتظار است و آن ساختارها و نمونه‌ها در آنجا ناکارآمدند؛ و در این موقعیت‌ها افراد، آن نمونه‌ها و ساختارها را مورد سنجش، بازنگری و بازتعریف قرار می‌دهند.<sup>(۱۶)</sup>

تفکر «اراده‌گرایی» که در نظریهٔ «کنش» پارسونز مطرح می‌شود، نقش فعال و هدفدار کنشگران را در موقعیت‌های اجتماعی نشان می‌دهد:

به نظر او، کنشگران ذهن و آگاهی دارند و به همین دلیل، در زندگی اجتماعی با سنجش و ارزیابی موقعیت‌ها به تصمیم‌گیری و گزینش‌های فردی مبادرت می‌ورزند. این تصمیم‌گیری‌ها هرچند به خاطر دخالت ساختارهای الزام‌آور فرهنگی، مانند هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، تا اندازه‌ای محدودیت می‌یابند، اما تأثیر اراده، به نسبت آزادی فردی را در امور اجتماعی شان نشان می‌دهد.<sup>(۱۷)</sup>

می‌توان دید که در سخن ریتزر، تعبیر «اراده به نسبت آزاد فردی» دلالت بر این دارد که انسان در جامعه از اراده و خلاقیت برخوردار است؛ اما کاملاً آزاد نیست، بلکه وجود هنجارها و ارزش‌ها و... محدودیت‌هایی برای او به وجود می‌آورند.

مرتون هم میان ساختار اجتماعی که یک فرد کجرو در آن گام می‌گذارد و خود آن فرد، یک رابطه و کنش متقابل تشخیص می‌دهد، ولی ساختار اجتماعی را دارای وزن و اهمیت و تأثیر بیشتری می‌داند.

به نظر او، معیارها و یا نرخ‌های کجروی را ساختارهای اجتماعی تعیین می‌کنند، ولی در ضمن، فرد

ترنر در کتاب *ساخت نظریه اجتماعی*، مفروضات و مبانی رویکرد گزینش عقلانی را به این شرح آورده است:

۱. انسان‌ها موجوداتی دارای قصد و نیت هستند.
۲. انسان‌ها سلیق یا منافع خود را براساس اهمیت هر کدام از آنها رتبه‌بندی می‌کنند.
۳. انسان‌ها تحت شرایط زیر در انتخاب روش‌های رفتار از محاسبات عقلانی استفاده می‌کنند:
  - ۳-۱. منافع حاصل از روش‌های جایگزین رفتار، با رجوع به سلسله مراتب امیال و ترجیحات فرد مشخص می‌شود.
  - ۳-۲. هزینه استفاده از هر روش، برابر است با صرف نظر کردن از منافع سایر روش‌ها (هزینه فرصت از دست‌رفته).
  - ۳-۳. روشی بهترین است که منجر به حداکثر سود شود.

۳-۴. پدیده‌های اجتماعی بیرونی مثل ساختارهای اجتماعی، تصمیمات جمعی و رفتار جمعی، ناشی از تصمیمات عاقلانه افرادی است که سود خود را به حداکثر می‌رسانند. (۲۱)

رالف دارن‌دورف نیز در الگوی «انسان اقتصادی»، سازوکار عملکرد گزینش عقلانی را مبتنی بر اصول زیر می‌داند: نخست آنکه «هر فرد سعی دارد تا به مقتضای منابعی که در اختیار اوست، بهترین و مقبول‌ترین انتخاب را از دیدگاه ترجیحات خود به عمل آورد.» دوم آنکه «این بهترین انتخاب ممکن، به سهولت قابل تشخیص است؛ و جز در موارد استثنایی، امکان تحقق آن در همه حال وجود دارد.» و دیگر آنکه در محاسبه هزینه‌ها و منافع، احتمال خطا یا تأثیرپذیری از ارزش‌های اجتماعی وجود دارد؛ تا آنجا که برحسب تفاوت موقعیت افراد، تصور آنها از هزینه و نفع یک عمل، با دیگران متفاوت است.

نیز می‌تواند با گزینش‌های رفتاری فردی تعدیل‌هایی را در این ساختارها اعمال کند. (۱۸)

نظریات تلفیقی معاصر با وضوح بیشتری به این موضوع پرداخته‌اند. در این نوع جامعه‌شناسی، گزینش، خود را در دیالکتیک عاملیت - ساختار، جلوه‌گر ساخته است. نظریه ساختاربنندی گیدنز یکی از آنهاست. به اعتقاد گیدنز، ساختارها و عوامل انسانی دو پدیده جدا از هم نیستند، بلکه از یک سو، ساختارها زمینه اجتماعی عملکرد کنشگران را به وجود می‌آورند؛ و از سوی دیگر، عوامل انسانی با کنش‌های نسبتاً آگاهانه‌شان، شرایط بازتولید ساختارها را فراهم می‌کنند. گیدنز، عامل و ساختار را دو روی یک سکه می‌داند. به عبارتی، گیدنز هم به نقش محدودکننده ساختارها اشاره دارد و هم نقش فعال و خلاق کنشگران در شکل‌گیری و تعدیل این ساختارها را می‌پذیرد. (۱۹)

یکی دیگر از جامعه‌شناسانی که به دیالکتیک عامل -

ساخت می‌پردازد پی‌یر بوردیو است که به گفته اسکات لشن، شاید بیش از هر کس دیگر در گشودن گره از مسئله رابطه ساختار و عاملیت سهم دارد. بوردیو رسالتش را واکنش به زیاده‌روی‌های ساختارگرایی می‌داند و بر رابطه ساختمان ذهنی و زمینه تأکید دارد. او برای دوری جستن از تعارض عینیت‌گرایانه و ذهنیت‌گرایانه، بر عملکرد تأکید می‌کند؛ مسئله‌ای که به نظر او، پیامد رابطه دیالکتیکی میان ساختار و عاملیت است. (۲۰)

به اعتقاد بوردیو، عوامل اجتماعی در درون فضاهای اجتماعی حاصل شده از عرصه‌های اجتماعی به کنش می‌پردازند. او از این منظر به تحلیل کنش، بازتولید ساخت، تفکیک جوامع سنتی و مدرن و قدرت و معرفت می‌پردازد. این‌گونه مباحث را در نظریه جامعه‌شناسی وجودی نیز با تأکید بیشتری بر عوامل انسانی می‌توان مشاهده کرد.

آسیب»، «انکار آسیب‌دیده» و «محکوم کردن محکوم‌کنندگان» و مانند آن انجام می‌دهند. (۲۴)

در ادامه، به دو نمونه از الگوهای گزینش عقلانی که در حوزهٔ تبیین کجروی ارائه شده‌اند، اشاره می‌شود:

**الگوی گزینش عقلانی:** کرنیش و کلارک با تحلیل کجروی در سطح فردی، مدعی‌اند گزینش رفتار کجروانه عمدتاً با ملاحظهٔ ویژگی‌های رفتار کجروانه و همچنین خصایص فردی کجرو صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، بزهکار برای ارتکاب بزه، هم موقعیت تحقق بزه و احتمال به نتیجه رسیدن آن را می‌سنجد و هم توانایی‌ها و مهارت‌ها و نقاط ضعف خود را. نتیجه آنکه ارتکاب یا عدم ارتکاب یک رفتار کجروانه، نه تنها بستگی به نسبت نهایی تفاضل میان منافع و مضرات حاصل از آن دارد، بلکه وجود تفاوت‌های فردی (اعم از زیستی و روانی)، همواره بر میزان این نسبت تأثیر می‌گذارد. براین اساس، این تفاوت‌ها عاملی تعیین‌کننده در ایجاد پیش‌زمینه‌ها و استعداد ارتکاب رفتارهای کجروانه است.

**الگوی فعالیت‌های روزمره:** این الگو با مدنظر قرار دادن هر سه دسته متغیرهای فردی، موقعیتی و کلان، وجود سه عنصر موقعیتی زیر را در شکل‌گیری «فرصت» کجروی و قرار گرفتن فرد در موقعیت گزینش آن، دخیل می‌داند: ۱. مجرم‌انرا نگیخته؛ ۲. در دسترس بودن آماج‌های مناسب؛ ۳. فقدان محافظ‌های کارآمد. این الگو در تحلیل کلان خود نیز با مقایسه محیط روستا، شهر، شهرک‌های اقماری و کلان‌شهرها، به نقش متغیرهایی مانند شرایط و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در شکل‌گیری کجروی می‌پردازد. (۲۵)

### عقلانیت غربی و عقلانیت اسلامی

نظریه‌های گزینش عقلانی در بستر فرهنگ و تمدن غربی تولید شده و به تبع، متأثر از مفاهیم و ایده‌های متناسب با

ریمون بودون در «الگوی انسان اجتماعی» به ابعاد گوناگونی از نقش‌آفرینی اجتماع در شکل دادن به گزینش‌های فردی توجه می‌کند و معتقد است: در برخی انتخاب‌ها، فرد گزینه‌ای را انتخاب می‌کند که «عادت‌ها، ارزش‌های درونی‌شده» و به طور کلی، «شرطی‌شدن‌های گوناگون اخلاقی، معرفتی، رفتاری و...» به او القای کند؛ نه آنچه واقعاً اقتضای منافع و خواسته‌های اوست. او همچنین تأکید می‌کند که فرد با وضعیت‌های فراوانی روبه‌رو می‌شود که به لحاظ اقتصادی، مبهم است و «بهترین انتخاب» را بی‌معنا می‌سازد. (۲۲)

لئون فستینگر نیز در نظریهٔ «تعارض شناختی»، ابعاد دیگری از سازوکار عملکرد گزینش عقلانی را توضیح می‌دهد. این نظریه به تبیین موقعیت‌هایی می‌پردازد که در آنها افراد با بدیل‌هایی مشابه با ارزش‌هایی که برگزیده‌اند، روبه‌رو می‌شوند و می‌کوشند با توجیه و بالا بردن ارزش انتخاب خود، از ناخوشایندی تردید بکاهند. نکته‌ای که در این نظریه حایز اهمیت است اینکه انسان برای گریز از ناخوشایندی حاصل از انتخاب خود، سعی در توجیه آن می‌کند و این توجیه‌گری می‌تواند به دو صورت باشد: ارزش انتخاب خود را بالا می‌برد؛ یا آنکه انتخاب‌های بدیل را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد. فستینگر، تعارض شناختی را حالتی انگیزشی می‌داند که ناخوشایندی‌اش، فرد را در جهت کاهش آن به واکنش وامی‌دارد. (۲۳)

ارتباط این رویکرد با تحلیل کجروی از جمله در امثال نظریهٔ «خنثاسازی» سایکس و ماتزا تصویر شده است که ریشه در رویکردهای پدیدارشناختی و یادگیری دارد. به نظر سایکس و ماتزا، کجروان، راه‌هایی از احساس شرم و گناه را در آن می‌بینند که رفتار کجروانه خود را با ظاهری منطقی و ریشه‌دار در ارزش‌های جامعه توجیه کنند و این کار را با بهره‌گیری از فنون «انکار مسئولیت»، «انکار

همان فرهنگ و تمدن اند. یکی از عناصر و مقومات این نظریه، مفهوم «عقلانیت» است که بر مبانی انسان‌شناختی، وجودشناختی و معرفت‌شناختی و مبانی متافیزیکی آن فرهنگ تکیه دارد و به طور قطع، با عقلانیت موجود در فرهنگ و تمدن اسلامی متفاوت است. از این رو، بحثی بسیار مختصر درباره تفاوت این دو مفهوم، ضروری به نظر می‌رسد.

عقلانیت مورد نظر در فرهنگ غرب و به تبع آن در نظریه‌های گزینش عقلانی، عبارت است از عقلانیت هدف - وسیله‌ای. در این عقلانیت، سعی بر آن است که با استفاده از بهترین و کارآمدترین وسایل در جهت نیل به اهداف مطلوب حرکت شود. اما عناصری مانند معرفت آمپرسیستی، اخلاق فایده‌گرایانه و عملگرا، نفی مابعدالطبیعه همچون خون در پیکره این عقلانیت، جاری است. فردگرایی، موتور فلسفی سرمایه‌داری جدید و از عناصر اصلی عقلانیت جدید غربی است که در آن، موتور واقعی کلیه تحرکات تاریخی و فعالیت‌های اجتماعی، تمایلات فردگرایانه و خودمحور است و کنش عقلانی چیزی جز این نیست. به عبارت دیگر، اهداف و ارزش‌ها هرچه هستند و هر محتوایی دارند، همه در یک حد، فاقد پشتوانه معرفتی اند. حداکثر می‌توان از کارکرد و «فایده» روانی یا اجتماعی آنها صحبت کرد. به عبارت دیگر، در فرهنگ غرب، رفتار عقلانی، صرفاً رفتاری است که براساس سهل‌الوصول‌ترین، راحت‌ترین و نتیجه‌بخش‌ترین وسایل نیل به اهداف طراحی شود.<sup>(۲۶)</sup>

اما در مکتب اسلام با عقلانیتی مواجه هستیم که ضمن رسمیت دادن به لذایذ و منافع، به نوعی تعادل در ملاحظات دنیوی و آخروی دعوت نموده و به ابعاد وسیع‌تری از خود و سود، توجه دارد. اسلام به دنبال سرکوبی یا نابودی امیال و لذایذ یا فدا کردن خود در راه

دیگری نیست، بلکه به عقلانیتی دعوت می‌کند که در آن، خود و سود و زیان، تعریف دیگری دارند. بر اساس این تعریف است که انفاق، تقوا و... به سود آدمی، و در نتیجه، رفتاری عاقلانه محسوب می‌شود. به عبارت روشن‌تر، مفهوم سود و زیان به قوت خود باقی است، اما دقیق‌تر، کلان‌تر و جامع‌تر می‌شود؛ زیرا سود و ضرر یک موجود جاودانه که دارای روحی الهی و هویتی ماورایی است با سود و ضرر یک «فنون» مادی و بدن طبیعی، همواره یکی نیست و گاه نیز در تضاد با آن است. سعادت و کمال اخروی در منظر این انسان الهی به حدی حقیقی، جدی و عینی است که بی‌توجهی به آنها عین سفاهت و جنون خواهد بود. ارزش‌ها نیز عناصری واقعی اند. همچنین در عقلانیت اسلامی، وجود جهان ماورای ماده و حس و وجود جزا و پاداش اخروی، در کنار سود و زیان مادی در نظر گرفته می‌شود که بر اساس عقلانیت غربی قابل توجه نمی‌باشد.

با توجه به حوصله محدود این مقاله، برخی از محورهای اصلی مورد توجه در نظریه‌های گزینش عقلانی را به عنوان مقولات تحلیل برگزیده‌ایم و دیدگاه‌های موجود در منابع اسلامی را درباره آنها بررسی خواهیم کرد. این محورها به شرح زیرند:

۱. انسان با محاسبه سود و زیان یک عمل، آن را گزینش می‌کند.
۲. هر فرد براساس منابعی که در اختیار دارد و نیز بر اساس نگرش و دیدگاهش، می‌کوشد بهترین گزینه را انتخاب کند.
۳. گزینش فردی تحت تأثیر عوامل پیرامونی - جسمی، روانی، موقعیتی، ساختاری (اجتماعی، اقتصادی،...) صورت می‌گیرد.
۴. احتمال خطا در محاسبه هزینه‌ها و منافع وجود دارد.



خود را به کار زده، از آن بهره‌برداری کند... خیلی از کارهای انسان هست که... نفعش روشن است و حکم به نافع بودنش مقدمه‌ای جز سراغ داشتن نمی‌خواهد، همین که آن را در جایی سراغ کرد، اراده، اقدام به عمل می‌کند... پس خلاصه معنای اختیار این شد که: انسان وقتی بعضی از امور را تشخیص نمی‌دهد و نمی‌تواند بفهمد که آیا تصرف در آن نافع است یا مضر؟ فکر را به کار می‌اندازد تا نفع و ضرر آن را در بین سایر احتمالات، معلوم نماید... پس انسان اختیار می‌کند چیزی را که نفعش را، یا همان حال و یا بعد از تفکر ببیند، و در حقیقت اندیشیدن و تفکر، جز برای رفع موانع حکم نیست. (۲۸)

دین اسلام اصولاً رفتارهای کجروانه را گزینشی و اختیاری می‌داند. برای نمونه، در حدیثی از امام رضا (ع) می‌خوانیم که یکی از یارانشان از ایشان سؤال کرد: آیا خداوند بندگان را به گناه مجبور می‌کند؟ آن حضرت فرمود: «نه، بلکه آنها را آزاد می‌گذارد و مهلت می‌دهد تا از گناه خویش توبه کنند.» سؤال‌کننده مجدداً پرسید: آیا بندگان خود را به چیزی تکلیف می‌کند که توان آن را ندارند؟ امام رضا (ع) فرمود: «چگونه چنین می‌کند، در حالی که خود فرموده: "پروردگارت به بندگان، ظلم و ستم روا نمی‌دارد؟" سپس امام رضا (ع) افزود: پدرم موسی بن جعفر (ع) از پدرش جعفر بن محمد (ع) چنین نقل فرمود: «اگر کسی بر آن است که خداوند بندگان را مجبور به گناه یا تکلیف به مالایطاق می‌کند، از گوشت حیوانی که ذبح می‌کند، نخورید، شهادتش را نپذیرید، پشت سرش نماز نخوانید و از زکات نیز چیزی به او ندهید.» (۲۹)

با توجه به این مقدمه کلی، دو عنصر اساسی این مقوله را می‌توان به ترتیب زیر مشخص کرد:

۵. افراد گاه در بهترین بودن انتخاب خود، دچار تردید می‌شوند. پس، می‌کوشند با بالا بردن ارزش آن انتخاب، آن را توجیه کرده و از ناخوشایندی تردید بکاهند.

### تحلیل‌های منابع اسلامی دربارهٔ مقولات برگزیده

با توجه به مقولات تبیینی برگزیده که ذکر آنها گذشت، در این بخش باید دید که منابع اسلامی (قرآن و روایات معصومان (ع))، در رابطه با مقولات این نظریه چه دیدگاهی دارند. از این رو، به بیان تک‌تک این مقولات از منظر آیات و روایات می‌پردازیم.

#### ۱. محاسبه‌گری و گزینش

«انسان با محاسبه سود و زیان یک عمل، آن را برمی‌گزیند.» یکی از عناصر اصلی در رویکرد گزینش عقلانی، محاسبه‌گری و گزینش است؛ چراکه یکی از دلایلی که آن را به یک رویکرد نظریه غالب بدل کرده، تأکید بر این نکته است که انسان می‌تواند در تعاملات اجتماعی با محاسبه ابعاد مختلف یک عمل، آن را برگزیند. این تأکید را می‌توان با مضمون اراده و اختیار در دیدگاه‌های اسلامی معادل دانست. برای مثال، بعضی از منابع لغوی، «اختیار» را «برگزیدن و انتخاب» معنا کرده‌اند. (۲۷) سخن علامه طباطبائی در این زمینه، قابل توجه است:

عنایت الهی، شعور و اراده‌ای را - که در حقیقت، ملاک اختیار انسان در افعالش می‌باشد - در آدمی به ودیعه سپرده، برای این است که وی حیوانی است که به وسیلهٔ شعور می‌تواند در مواد خارجی عالم، دخل و تصرف نموده و از آن مواد برای بقای خود استفاده نماید، مفید آن را از مضرش تشخیص دهد. وقتی در ماده‌ای از مواد سودی سراغ کرد، اراده

و براساس این محاسبات بدین نتیجه رسیده‌اند که دارند سود می‌برند؛ پس به کار خود، ادامه می‌دهند و... آیات ۱ تا ۳ سوره مبارکه «همزه» به تحلیل رفتار افرادی پرداخته‌اند که دیگران را «عیب‌جویی، غیبت و طعن و استهزا» می‌کنند. در این آیات که رفتارهای کجروانه افراد موردنظر خود را برحسب مضمون محاسبه‌گری و با ماده لغوی «حسب»، تحلیل کرده‌اند، آمده است: ﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ﴾؛ وای بر هر بدگوی عیب‌جویی که مالی گرد آورد و برشمرده‌اش. حساب می‌کند که مالش او را جاوید کرده است.

به گفته برخی مفسران، آیات ۲ و ۳ یادآور می‌شوند که چنین فردی براساس محاسبات خود «می‌پندارد مال، او را در دنیا جاودان می‌سازد؛ و چون جاودانگی و بقای خود را دوست می‌دارد، تمام هم‌ش را صرف جمع مال و شمردن آن می‌کند، و وقتی جمع شد و خود را بی‌نیاز احساس کرد، شروع به یاغی‌گری نموده، بر دیگران تفوق و استعلا می‌ورزد.»<sup>(۳۳)</sup> برخی دیگر تأکید می‌کنند که «پندار جاودانگی به وسیله مال، دلیلی برای جمع مال، و جمع مال نیز عاملی برای استهزا و سخریه دیگران است.»<sup>(۳۴)</sup>

بدین شکل، این آیات در تبیین علل این رفتارهای کجروانه به دو نکته اشاره دارند: نخست آنکه سرچشمه این عمل، کبر و غرور ناشی از ثروت است که می‌توان آن را نوعی خاص از شرایط زندگی افراد یا موقعیت اجتماعی آنان دانست؛ دیگر آنکه، علت این کبر و غرور، محاسبه نادرستی است که فرد درباره شرایط زندگی یا موقعیت اجتماعی خود دارد. به بیان دقیق‌تر، این آیات، اولاً، به نقش حسابرگری افراد در ارتکاب رفتارهای کجروانه اشاره دارند؛ و ثانیاً، به تأثیرپذیری این محاسبات از شرایط پیرامونی آنان. نکته اخیر را در ضمن مقولات

۱-۱. محاسبه‌گری: توجه به مضمون محاسبه‌گری به عنوان یک ویژگی انسان را از جمله می‌توان در آیات ۱۰۳ و ۱۰۴ سوره «کهف»، ۱ تا ۳ سوره مبارکه «همزه» و آیات ۶ و ۷ سوره «علق» دید. آیه ۱۰۴ سوره «کهف» با تعبیر شایان توجه زیر، حالات کسانی را توصیف می‌کند که آیه ۱۰۳ این سوره، آنان را «زیان‌کارترین مردمان» نامیده است: ﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾؛ بگو: آیا شما را از زیان‌کارترین مردم آگاه گردانم؟ [آنان] کسانی‌اند که تلاششان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند.

نکته شایان توجه در این آیات، کاربرد تعبیر «یحسبون» از ماده «حسب» در آیه ۱۰۴ است که معنایی مترادف با محاسبه‌گری دارد. چنان‌که بعضی منابع لغوی، اصل را در این واژه، اشراف و اطلاع یافتن از یک شیء به قصد اختصار آن و هدف از این نگریستن و دقت را خواستن و قصد تجربه آن شیء می‌دانند.<sup>(۳۰)</sup> برخی دیگر نیز درباره این کاربرد یادآور شده‌اند: «حَسِبَ... به معنی ظن و گمان به کار می‌رود... و شاید علت این تسمیه آن است که گمان و ظن پیش‌گمان‌کننده و ظن‌کننده، یک نوع حساب است، از جانب خود محاسبه و روی آن حکم و عمل می‌کند.»<sup>(۳۱)</sup>

بعضی از مفسران در تحلیل مفاد این دو آیه و بیان علت نام‌گذاری یادشده، به جمع آمدن دو مضمون «زیان کردن» در آیه ۱۰۳ و «محاسبه کردن» در آیه ۱۰۴ اشاره کرده و آنان را افرادی نامیده‌اند که «در زیانند و با محاسبات خود به این پندار رسیده‌اند که دارند سود می‌برند.»<sup>(۳۲)</sup> به بیان دیگر، آیه ۱۰۴ به افرادی اشاره می‌کند که زحمات و تلاش‌هایشان، بیهوده و در حال نابودی است؛ اما برای خود، معادلات و محاسباتی دارند

از موضعی رفتاری که فرد بر اساس افکار، عقاید، عواطف و تمایلات رفتاری خود، نسبت به افراد، گروه‌ها یا هر حادثه‌ای در محیط پیرامون خود، پیدا می‌کند.<sup>(۳۷)</sup> این موضع، هنگام سنجش منافع و زیان‌های یک عمل، به آنها اهمیت و وزن بیشتری می‌دهد و در ترجیح یک عمل و انتخاب آن، اثرگذار است.

از جمله آیاتی که می‌توانند بیانگر تأثیر نگرش‌ها و منابع و داشته‌های فرد بر اعمال او باشند، آیات ۱ تا ۳ سورهٔ «همزه» هستند که در تحلیل مقوله قبل بدان‌ها استناد کردیم. در این آیات آمده است: «وای بر هر بدگوی عیب‌جویی که مالی گرد آورد و برشمرده حساب می‌کند که مالش او را جاوید کرده است.»

مفسران در تحلیل تعبیر «یحسبون» در آیهٔ ۳ این سوره، با تعبیر متعددی یادآور می‌شوند که از نگاه قرآن کریم، این‌گونه افراد، برتر بودن را در برخورداری از منابع دنیوی می‌دانند و این نگرش و نیز برخورداری‌های مالی و دنیوی آنان است که تأثیر عمده‌ای در اعمالشان دارد. برخی از این تعبیر به شرح زیرند:

«می‌پندارد مال، او را در دنیا جاودان می‌سازد، و چون جاودانگی و بقای خود را دوست می‌دارد، تمام همش را صرف جمع مال و شمردن آن می‌کند، و وقتی جمع شد و خود را بی‌نیاز احساس کرد، شروع به یاغی‌گری نموده، بر دیگران تفوق و استعلا می‌ورزد... و این استکبار و تعدی، اثری که برای آدمی دارد، همز و لمز است.»<sup>(۳۸)</sup>

«هر درهم و دیناری برای او بتی است؛ نه تنها شخصیت خویش، که تمام شخصیت‌ها را در آن خلاصه می‌بیند، و طبیعی است که چنین انسان گمراه و ابلهی، مؤمنان فقیر را پیوسته به باد سخریه بگیرد.»<sup>(۳۹)</sup>

حاصل آنکه، آیات مذکور - که با توجه به تعبیر «وای بر هر بدگوی عیبجو» در آیهٔ ۱ در مقام بیان تعلیلی

آتی، بررسی خواهیم کرد.

۱-۲. گزینش: در مورد این مفهوم، در منابع اسلامی شواهد زیادی وجود دارد، ولی به عنوان نمونه، به موردی به اقتضای بحث می‌پردازیم.

تأکید قرآن کریم بر مضمون گزینش‌گری را از جمله می‌توان در آیات ۳ سورهٔ «انسان»، و ۲۹ سورهٔ «کهف» دید. آیهٔ ۳ سورهٔ «انسان» با تأکید بر فراهم آمدن اسباب هدایت انسان از سوی خداوند، یادآور می‌شود: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس.

مفسران با تأکید بر اینکه این آیه شریفه «خط بطلان بر مکتب جبر می‌کشد»<sup>(۳۵)</sup> یادآور می‌شوند: «سبیلی که خدا بدان هدایت کرده، سبیلی است اختیاری، و شکر و کفری که مترتب بر این هدایت است، در جو اختیار انسان قرار گرفته، هر فردی به هریک از آن دو که بخواهد می‌تواند متصف شود، و اکراه و اجباری در کارش نیست.»<sup>(۳۶)</sup>

## ۲. نگرش‌ها و منابع

«افراد، گزینه‌های خود را براساس نگرش‌ها و نیز منابعی که در اختیار دارند، انتخاب می‌کنند.» بر اساس این مقوله، هر فرد برحسب دیدگاه و نگرشی که دارد و نیز براساس اینکه چه منابعی را در اختیار دارد، دست به گزینش در اعمال می‌زند. این مقوله به معنای انکار نقش اختیار و اراده انسان نیست، بلکه بدین نکته اشاره دارد که نگرش و دیدگاه فرد و داشته‌های او، زمینه‌های ترجیح عملی را بر عمل دیگر، به وجود می‌آورند. در این مقوله می‌توان دو عنصر اصلی زیر را مشخص کرد:

۱. تأثیر نگرش‌ها؛

۲. اقتضای منابع و داشته‌ها.

از نظر روان‌شناسان اجتماعی، «نگرش» عبارت است

آیه شریفه زیر نیز از جمله مواردی است که تأثیرپذیری اعمال انسان را از نگرش‌های او، مورد توجه قرار داده است. این آیه، آیه یادشده ۱۰۴ سوره «کهف» است: ﴿الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾؛ [آنان] کسانی‌اند که تلاششان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند.

این آیه شریفه با توجه به توضیحی که در تحلیل مقوله اول درباره آن ارائه شد، بدین نکته توجه می‌دهد که نگرش افراد موردنظر به مادیات و داشته‌های این جهانی است که از یک‌سو، انگیزه حرکت به آنها می‌دهد و از سوی دیگر، مانع از تحلیل درست آنها درباره اعمالشان و پیامدهای آنها و در نتیجه، استمرار آن اعمال می‌شود. به گفته برخی مفسران، این آیه خبر می‌دهد از آنهایی که در عمل از هر زیانکاری زیانکارترند. ... آن‌گاه دنبالش اضافه فرموده که «در عین حال گمان می‌کنند که کار خوبی انجام می‌دهند» و همین پندار است که مایه تمامیت خسران ایشان شده است. (۴۱)

### ۳. عوامل محدودکننده اختیار

«گزینش فردی تحت تأثیر عوامل پیرامونی است.» ارتکاب اعمال کجروانه در جامعه، بر اساس رویکرد گزینش عقلانی، امری انتخابی و گزینشی است. ولی این گزینش، تحت تأثیر عوامل و پدیده‌های مختلفی است و چنان‌که در چارچوب نظری اشاره شد، انسان دارای «اراده به نسبت آزاد فردی» است. این مضمون، معادل با مفهوم شیعی «اختیار» است که آن را امری بین «جبر» و «تفویض» می‌دانند. تحلیل‌های برخی محققان، بیانگر این همخوانی و پذیرش این نکته در آموزه‌های شیعی است که اختیار و اراده انسان تحت تأثیر عوامل پیرامونی - جسمی، روانی،

تعمیم‌پذیر از رفتارهای موردنظر خود برآمده‌اند - ما را بدین شکل به مضمون موردنظر در این مقوله رهنمون می‌شوند: نگرش و محاسبات نادرست این افراد، آنان را به این پندار می‌رساند که با گردآوری مال و ثروت، جاودانه می‌شوند و اینکه شخصیت داشتن در داشتن مال خلاصه می‌شود. پس به گردآوری مال می‌پردازند (نکته‌ای که بیانگر تأثیر ترجیحات و باورها بر رفتار است). سپس آن‌گاه که به دارایی و تمول رسیدند، هم به سبب این برخورداری و هم در اثر آن باورها، دیگران را هیچ می‌بینند و آنها را به تمسخر می‌گیرند. این تعبیر نیز از تأثیر توأمان باورها و داشته‌ها بر رفتار، حکایت دارد.

دومین نمونه از آیاتی که در اینجا می‌توان به آنها استناد کرد، آیات ۶ و ۷ سوره «علق» است: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ كَيْطَفَىٰ أَن رَّآهُ اسْتَغْفَىٰ﴾؛ حقا که انسان سرکشی می‌کند، همین که خود را بی‌نیاز ببیند.

در این آیات، بر این نکته تأکید می‌شود که توهّم بی‌نیازی در دنیا از جمله عللی است که سبب می‌شود تا دنیاپرستان، دست به طغیانگری بزنند. به گفته برخی مفسران: «این طبیعت غالب انسان‌هاست ... که وقتی به غلط، خود را مستغنی می‌پندارند، شروع به سرکشی و طغیان می‌کنند. نه خدا را بنده‌اند، نه احکام او را به رسمیت می‌شناسند، نه به ندای وجدان گوش فرا می‌دهند، و نه حق و عدالت را رعایت می‌کنند.» (۴۰)

چنان‌که این تعبیر نشان می‌دهد، علت سرکشی و طغیان این‌گونه افراد، این محاسبه غلط است که وجود منابع دنیوی را نشانه بی‌نیازی خود می‌بینند، از این رو، به طغیانگری روی می‌آورند. نکته شایان توجه دیگر، آن است که با توجه به مفاد آیات ۳ سوره «انسان» و ۲۹ سوره «کهف» - که پیش‌تر به آنها اشاره شد - طغیان موردنظر در این آیه، گزینه‌ای اختیاری در رفتار و سلوک افراد است.

سرشته شد. بگو: «اگر مؤمنید [بدانید که] ایمانتان شما را به بد چیزی و امی دارد.»  
در این آیه شریفه، با توجه به معنا و مفهوم «اشراب»، (۴۳) قلوب بنی اسرائیل با محبت گوساله سامری عجین شده و این اعمال، محصول سرزمین قلب آنهاست که با آب شرک آبیاری شده است. و چنین سرزمینی که با چنان آبی آبیاری شود، محصولی جز این نخواهد داشت. به گفتهٔ برخی مفسران:

بنی اسرائیل چون سالیان دراز محکوم مصریان بودند، مانند هر قوم محکوم و زبون دیگران، خواه نخواه اوهام و معتقدات مصریان بر آنها چیره شده بود. یکی از مقدّسات مصری‌ها گاو بود... تقدیس گاو و گوساله در نفوس آنان ریشه داشته و محبت آن قلبیشان را فراگرفته بود... بنابراین، اتخاذ گوساله پس از چند روز غیبت موسی از جهت غفلت و پیش‌آمد ناگهانی یا اغفال نبوده. (۴۴)

بنابراین، در این آیه، علت اینکه بنی اسرائیل به بیراهه رفته و سر از شرک و بت پرستی درآوردند، به نوع جامعه‌پذیری آنها نسبت داده شده است. به بیان دیگر، اعمال نادرست آنان نتیجهٔ طبیعی همان نگاه و تفکر و آداب و رسومی به شمار آمده است که قلوب آنان با آن شکل و خو گرفته بود. طبیعی است که در چنین شرایطی، هر چیزی خارج از آن نگرش، حتی خداپرستی، غیرطبیعی و نامأنوس به نظر می‌رسد و این افراد با اختیار خود، و البته تحت تأثیر آداب و رسوم و نگرش‌های موجود در جامعه، منش و رفتاری کجروانه را برمی‌گزینند.

۳-۲. **تأثیر گروه‌های مرجع:** گروه‌های مرجع، الگوهایی را برای داوری و ارزیابی فرد از خود و محیط پیرامون تشکیل می‌دهند. به عبارتی، گروه‌های مرجع الگوها و چارچوب‌هایی را در جامعه ایجاد می‌کنند که افراد وابسته

موقعیتی، ساختاری (اجتماعی، اقتصادی و...) - محدودیت‌هایی پیدا می‌کند که البته به معنای سلب شدن اختیار از او نیست. از جملهٔ این تحلیل‌ها، سخن زیر است: خداوند به بنده قدرت و اراده و اختیار داده و خواسته است که بندگان افعال را با وجود شرایط خارجی - از مکان و زمان و ماده و نحو اینها و شرایط داخلیِ خطور قلبی و شوق مؤکد و نحو اینها - از روی اختیار انجام دهند، پس خداوند اراده فرموده که فلان فعل به واسطه این اسباب و وسایل تحقق یابد. ... پس چون اختیار عبد، یکی از اسباب وقوع فعل است، فعل مستند به بنده می‌باشد و چون سایر اسباب و وسائط آن در اختیار او نیست،... استقلال در فعل ندارد. بنابراین، نه جبر است و نه تفویض، بلکه امری است بین این دوامر. (۴۲)  
در تحلیل این مقوله، به برخی از عوامل محدودکنندهٔ اختیار از نگاه منابع اسلامی، اشاره می‌کنیم:

۳-۱. **تأثیر آداب و رسوم و هنجارها:** تأثیرپذیری انسان از آداب و رسوم و هنجارهای اجتماعی، یکی از واقعیت‌های انکارناپذیر اجتماعی است. بر اساس منابع اسلامی، یکی از عوامل پیرامونی که گزینش افراد را تحت تأثیر قرار داده و منجر به انحراف آنها می‌شود، همین تأثیرپذیری از آداب و رسوم و هنجارهای اجتماعی است. به نظر می‌رسد که آیه زیر می‌تواند بیانگر این نکته باشد: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاَسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِسْمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (بقره: ۹۳)؛ و آن‌گاه که از شما پیمان اطاعت گرفتیم، و طور را بالای سر شما برداشتیم، گفتیم: آنچه به شما داده‌ایم محکم بگیرید و بشنوید. گفتند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم» و بر اثر کفرشان، [مهتر] گوساله در دلشان

نزد آنها را مهم می‌دیدند. پس، روشن است که آنها با اختیار خود تابع آن گروه شدند و مسلوب‌الاختیار نبودند. ۳-۳ آثار تبلیغات فرهنگی: تبلیغات فرهنگی بسته به شرایط و امکانات موجود در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، یکی از ابزارهای مهم جامعه‌پذیری است و تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر گزینش‌های افراد دارد. در جهان معاصر، این تبلیغات از طریق رسانه‌های جمعی اعمال می‌شود و نمود بسیاری دارد. در منابع اسلامی هم این نکته از ابعاد متعددی مورد توجه قرار گرفته است. توجه به این تأثیر را از جمله می‌توان از آیه شریفه زیر استنباط کرد: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَتَتَّخِذَهَا هُزُوًا...﴾ (لقمان: ۶)؛ و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده می‌خرند تا [مردم را] به بی‌دانشی از راه خدا گمراه کنند و آن را به ریشخند گیرند.

در این آیه شریفه، «سخن بیهوده» نماد و الگوی هر سخن یا هر نوع پیام و محصول فرهنگی و هنری و مانند آن است که به جهاتی، جاذبه‌های خاصی برای انسان دارد و به سبب همین ویژگی، او را به خود جذب می‌کند؛ ولی به سبب عدم واقع‌نمایی، در مسیر کمال و سعادت واقعی فردی و اجتماعی انسان نیست. پس، او را به امور بی‌حاصل مشغول می‌سازد. از جمله نمونه‌های این سخنان می‌توان به حکایت‌های خرافی، داستان‌ها یا شعرهایی که به زشتی دعوت می‌کنند و مواردی از این دست اشاره کرد.

«خریداری سخن بیهوده» بیانگر هرگونه کوششی است که برای جذب افراد به سوی امور پرجاذبه، اما بی‌ثمر، صورت می‌گیرد. هدف نیز آن است که آنها از توجه به مسیر کمال و سعادت خود بازمانند، فرصت شناختن و پرداختن به چیزهایی که آنان را به این کمال می‌رساند، نیابند یا آنکه آنها را، آنچنان‌که شایسته است، مهم نبینند. (۴۷)

به گروه در درون آن به کنش می‌پردازند و رفتارهای خارج از این چارچوب‌ها را نابهنجار تلقی می‌کنند. (۴۵) به عبارت دیگر، افراد در جامعه با الگوهای رفتاری زیادی روبه‌رو هستند؛ ولی تحت تأثیر گروه‌های مرجع، الگوهایی را برمی‌گزینند که از طرف این گروه‌ها ارائه می‌شود و مورد تأیید آنهاست. در قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) این تأثیرپذیری و تأثیرگذاری و نقش آنها در گزینش اعمال، مورد تأکید قرار گرفته است. توجه به این تأثیرگذاری را از جمله می‌توان در آیه ذیل دید: ﴿وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبْرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا﴾ (احزاب: ۶۷)؛ و می‌گویند: «پروردگارا! ما از سران و بزرگان خود اطاعت کردیم و آنان ما را گمراه ساختند!»

براساس این آیه، در روز قیامت، برخی کافران مدعی می‌شوند که پیروی از بزرگان قوم، موجب شده تا چنین مسیری را انتخاب کنند. به دیگر سخن، این افراد علت گمراهی خود را این می‌دانند که از بزرگان قوم خود پیروی کرده‌اند و کفر و شرک (الگوهایی که آن بزرگان برای قوم خود، ارائه می‌کردند)، را برگزیدند. پس، به سبب پیروی کورکورانه از آن الگوها، راه ضلالت و انحراف را انتخاب کرده بودند:

و اتباع و ارذال قوم کفار گویند که ای پروردگار ما، به درستی که ما فرمان بردیم مهتران قبایل خود را و بزرگان و پیشوایان خود را، پس گمراه کردند ما را؛ یعنی به افسون و افسانه ما را فریب دادند و در نظر ما تزیین باطل نمودند و از راه حق و طریق رشاد بیرون بردند. (۴۶)

بدین شکل، با توجه به این آیه شریفه، علت گمراهی و انحراف این افراد پیروی بی‌چون و چرا از بزرگان قوم و گروه‌های مرجع آن است؛ چراکه آنها را دارای احاطه مادی و معنوی بر خود می‌دانستند و مقبولیت اعمال خود

می‌شوند. به گفتهٔ مفسران:

آن شیطان‌ها برای آنها کارهایی را که از پیش برای خود فرستاده‌اند و کارهایی که اکنون انجام می‌دهند، زینت دادند؛ یا منظور این است که شیاطین آنچه را پیش روی آنهاست از لذت‌های دنیوی و پیروی از شهوت‌های نفسانی و آنچه را که پشت سر ایشان است از کارهای آخرت - که می‌گفتند نه بعثی است و نه حساب و کتابی - برای آنها زینت دادند.<sup>(۴۹)</sup>

با توجه به مضمون این آیه و تفسیر ذکرشده و آنچه در معنای تزیین گفته شد، می‌توان گفت: از نگاه قرآن کریم، همنشینان، اعمال انحرافی و عدم اعتقاد به آخرت را در نگاه این افراد، جلوه داده و سبب می‌شوند تا آنها با میل خود این اعمال را انتخاب کنند. در واقع، همنشینان بدی که بر این افراد گمارده می‌شوند، در مرحلهٔ اول، بر نگرش‌های آنان، تأثیر گذاشته و نوع نگاه آنها را به «بدی» و «خوبی» تغییر می‌دهند. و در مرحله بعد، فرد با اختیار و اراده خود دست به انتخاب اعمال انحرافی می‌زند. به عبارت دیگر، از نگاه قرآن، همنشینان، گزینش افراد را جهت می‌دهند.

#### ۴. احتمال خطا در محاسبه هزینه‌ها و منافع

افراد همواره با محاسبه منافع و مضرات رفتارهای خود، گزینهٔ رفتاری خاصی را انتخاب می‌کنند. ولی بنا بر قرار گرفتن در موقعیت‌های زمانی و مکانی، همواره این امکان وجود دارد که در محاسبات خود دچار اشتباه شده و در نتیجه انتخاب آنها هم انتخابی اشتباه باشد. به عبارت دیگر، در محاسبه هزینه‌ها و منافع، احتمال خطا یا تأثیرپذیری از ارزش‌های اجتماعی وجود دارد؛ تا آنجا که برحسب تفاوت موقعیت افراد، تصور آنها از هزینه و نفع یک عمل با دیگران متفاوت است.

در این آیه، «گمراه ساختن از روی بی‌دانشی» نیز از سویی به معنای غیرمستقیم بودن پیام است که اثرگذارترین شیوهٔ تبلیغ پیام است و موجب انتقال مؤثر پیام و متقاعدسازی و تغییر نگرش مخاطبان می‌شود؛ بدین معنا که افراد هنگام مواجه شدن با این پیام‌ها، در اثر جاذبه‌های فریبنده و غیر واقعی‌شان (نه از روی آگاهی واقع‌بینانه از منافع) و مطلع نبودن از مقصود اصلی پیام، مجذوب آن می‌شوند و دریچه ذهن خود را بدون آگاهی از محتوا و آثار واقعی آن به رویش می‌گشایند. و از سوی دیگر، به معنای فرهنگی بودن پیام است که معنای آن، بی‌نیاز بودن آنها از واقع‌نمایی و اتکا بر واقعیت‌ها یا یافته‌ها و مسلمات علمی است.<sup>(۴۸)</sup>

۳-۴. تأثیر همنشینان: همنشینان تأثیر قابل توجهی بر فرد دارند و اثرگذاری آنها معمولاً به شیوه‌های مختلفی انجام می‌شود. براساس یافته‌های جامعه‌شناختی، فرد بسته به میزان، شدت و اولویت همنشینی‌هایی که دارد از همنشینان تأثیر می‌پذیرد. آیات و روایات اسلامی، تأثیرپذیری فرد از همنشینان را مورد تأیید قرار داده و از جمله تأکید دارند که همنشینان با تزیین نگرش‌ها و اعمال خود، در افراد تأثیر گذاشته و موجب تغییر نگرش‌های آنها نسبت به بدی و خوبی و در نتیجه، تغییر اعمال آنها می‌شوند. از جمله این آیات و روایات می‌توان به آیه ذیل اشاره کرد: ﴿وَقَبَضْنَا لَهُمْ قُرْآنًا فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ...﴾ (فصلت: ۲۵)؛ و برای آنان همنشینانی گماشتیم، پس آنچه را در پیش رو و آنچه را در پی آنان بود، در نظرشان آراستند.

چنان‌که می‌بینیم، آیه شریفه مزبور، مفهوم «تزیین» را - که پیش‌تر دربارهٔ ابعاد تأثیر آن بر گزینش، توضیح دادیم - از جمله ترندهای همنشینان «بدی» می‌داند که به عنوان مجازات کافران و تبه‌کاران، در این دنیا بر آنها گماشته

وضوح گوشزد شده است؛ بدین شکل که آنها گمان می‌کنند به آب می‌رسند، در حالی که به سمت سراب در حرکتند و واقعیتی در خارج از ذهن آنها وجود ندارد. به عبارت دیگر، انتخاب مسیر توسط این افراد با مثال زیبایی ترسیم شده است که تناسب بین معنای حسب و سراب، ما را بدان رهنمون می‌شود.

### ۵. توجیه انتخاب‌ها

«افراد گاه در بهترین بودن انتخاب خود، دچار تردید می‌شوند. پس، می‌کوشند با بالا بردن ارزش آن انتخاب، آن را توجیه کرده و از ناخوشایندی تردید بکاهند.»

انسان گاهی اوقات به خاطر اینکه از ناخوشایندی انتخاب خود بکاهد، درصدد توجیه و بالا بردن ارزش آن انتخاب برمی‌آید و از این طریق، خود را توجیه می‌کند که عملی که انتخاب کرده، دارای پشتوانه عقلی و عقیدتی است. به این نکته و ابعاد آن، در بخش چارچوب نظری اشاره شد. در این قسمت به دیدگاه‌های اسلامی درباره این مقولات می‌پردازیم. در توضیح این مقوله می‌توان در دو محور زیر بحث کرد:

۵-۱. کجرو برای بالابردن ارزش انتخاب خود، دست به توجیه می‌زند: منظور از این مقوله این است که گاهی اوقات، انسان برای بالا بردن ارزش انتخاب خود تلاش می‌کند و توجیهاتی می‌آورد و به انتخاب‌های دیگر، توجهی نمی‌کند. منابع اسلامی هم به این نکته توجه داشته و موارد متعددی از این عذرآوری و توجیه‌های منحرفانه را برشمرده‌اند. در اینجا به مناسبت بحث و ضیق مجال به یک نمونه از این موارد اشاره می‌کنیم: ﴿بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ﴾ (قیامت: ۱۴-۱۵)؛ بلکه انسان از وضع خود آگاه است، هرچند (در ظاهر) عذرهایی بتراشد. مفسران در تحلیل مفاد این آیه، یادآور شده‌اند: «بیشتر

در منابع اسلامی، نمونه‌های متعددی برای اشاره به این حالت‌ها وجود دارد. آیه شریفه زیر به عنوان بارزترین نمونه، می‌تواند بیانگر اشاره قرآن به وجود نمونه‌هایی از این وضعیت‌ها و انواع آنها باشد: ﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً...﴾ (نور: ۳۹)؛ و آنان که کافر شدند، اعمالشان همچون سرابی است در یک کویر که انسان تشنه، آن را آب می‌پندارد.

به نظر مفسران، در این آیه شریفه، قرآن به این حقیقت مهم اجتماعی اشاره می‌کند که انسانی که به دنبال رفع نیازهای خود است، از هر طریقی درصدد رسیدن به آن اهداف برمی‌آید، ولی به دلیل عدم درک درست از میزان سود و زیان خود سراز ناکجا آباد در می‌آورد و نیازهای واقعی او همچنان بی‌جواب باقی می‌ماند. برخی از آنان یادآور شده‌اند:

[این آیه] اعمال ایشان را تشبیه کرده به سرابی در زمین هموار که انسان، آن را آب می‌پندارد، ولی حقیقتی ندارد، رفع عطش نمی‌کند، و آثار دیگر آب را ندارد. اعمال ایشان هم ... حقیقت ندارد، و آثار عبادت بر آن مترتب نیست. و اگر فرمود: تشنه آن را آب می‌پندارد با اینکه سراب از دور به نظر هر کسی آب می‌آید، چه تشنه و چه سیراب، برای این بود که هدف در این آیه، بیان رفتن به سوی سراب است، و جز اشخاص تشنه کسی به دنبال سراب نمی‌رود، او است که از شدت تشنگی به این امید به راه می‌افتد که شاید در آنجا آبی که رفع عطشش کند به دست آورد، و همچنان می‌رود ولی آبی نمی‌بیند. (۵۰)

با توجه به معنای واژه «حسب» که محاسبه و گمان بدون پشتوانه است و مفهوم «سراب» که به معنای خیال و گمان وجود آب است و متناسب با معنای «حسب» می‌باشد، در این آیه شریفه، خطا بودن محاسبه افراد موردنظر به



مطلوب خود را ترجیح داده و ارزش آن را بالا نشان می‌دهند. این نکته را از جمله می‌توان در روایت زیر و شروع مربوط به آن دید:

«حُبُّكَ لِلشَّيْءِ يَعْمي وَيَصِمُّ»؛<sup>(۵۴)</sup> دوست داشتن چیزی تو را کور و کر می‌کند.

به ادعای شارحان، مراد حدیث بالا که از رسول خدا ﷺ نقل شده، این است که دوست داشتن یک چیز، انسان را از دیدن ماورای آن ناتوان می‌کند و بالاتر از آن اینکه انسان را در مقابل آن شیء کور و کر می‌کند؛ به گونه‌ای که حتی زشتی‌های آن را یا اصلاً نمی‌بیند و یا آنها را زیبا می‌بیند. بیت زیر از وحشی بافقی به طور صریح به این مضمون اشاره می‌کند:

اگر بر دیده مجنون نشینی

سراسر حسن لیلی را ببینی<sup>(۵۵)</sup>

منظور حدیث این نیست که دوستی یک چیز واقعاً انسان را کور و کر می‌کند، ولی هنگامی که انسان چیزی را دوست داشته باشد، به صورت درست آن را می‌پذیرد بدون اینکه در آن تأمل داشته باشد؛ پس نه بصیرتی دارد و نه گوش شنوایی برای اینکه قول کسی را که خیر خواه اوست بشنود.<sup>(۵۶)</sup>

گاهی گفته می‌شود: حَبِّ مال فلانی را کور و کر کرده است، در حالی که مراد این نیست که حس بینایی و شنوایی را از دست داده باشد، بلکه به این معنی است که هنگامی که انسان به خاطر دل بستگی به دنیا از پرداخت حقوق و ادای واجبات سر باز زند، گفته می‌شود: حَبِّ مال او را کور و کر کرده است همچنان‌که به طور مثال گفته می‌شود: حَبِّک للشَّيْءِ يَعْمي وَيَصِمُّ.<sup>(۵۷)</sup>

چنان‌که ملاحظه می‌شود، این حدیث بیانگر این نکته است که دوست داشتن یک چیز، زمینه‌ساز آن است که

عذرهایی که آدمی عرضه می‌دارد، دروغین است، و از آن رو به عرضه کردن آنها می‌پردازد که خطاها و روش‌های منحرف خود را خوب و درست جلوه دهد و آنها را توجیه کند.<sup>(۵۱)</sup> در این آیه شریفه، عذر تراشیدن، همان توجیهی است که انسان برای بالا بردن ارزش انتخاب خود بدان متوسل می‌شود تا بتواند ارزش انتخاب‌ها و اعمال خود را بالا ببرد. بعضی از مفسران، این مضمون را به این معنا می‌دانند که توجیه افراد منحرف برای اعمال خود، این است که مواعی وجود داشت که ما نتوانستیم عمل مطلوب انجام دهیم: «گرچه عذر هم آورد و دفاع نفس خود نماید برای او سودی ندارد، گفته می‌شود معذره و معاذیر و آن یاد کردن مواعی است که بازمی‌دارد از فعل و کاری که مطلوب و مراد است.»<sup>(۵۲)</sup>

۵-۲. کجرو برای عمل نکردن براساس گزینه راجح و پایبندی نداشتن به آن دست به توجیه می‌زند: این مقوله برخلاف مقوله اول، بدین نکته اشاره دارد که انسان درصدد طرد بدیل‌های گزینهٔ انتخابی خود برمی‌آید و توجیهاتی می‌آورد تا آنها را فاقد ارزش جلوه دهد و در نتیجه، به خود یا دیگران بباوراند که تنها انتخاب درست، همان انتخاب خود او بوده است. مثلاً، اینکه سیگاری‌ها با این یافتهٔ پزشکی مواجه می‌شوند که کشیدن سیگار، خطر سرطان را در پی دارد. اما برحسب عادت، خود را نیازمند استعمال آن می‌بینند. از این رو، گرچه می‌توانند با ترک سیگار، این تعارض را به شکلی عقلانی از بین ببرند، اما چون دوست دارند گزینهٔ مطلوبشان را ترجیح دهند، به راه‌های عاطفی و غیرعقلانی دیگری متوسل می‌شوند. مثلاً، اینکه ارتباط سیگار کشیدن با سرطان را نفی می‌کنند؛ یا با کشیدن سیگار فیلتردار، خود را می‌فریبند و...<sup>(۵۳)</sup>

بنابراین، افراد معمولاً می‌کوشند با توسل به دلایل مختلف، ارزش گزینه‌های بدیل را نفی کرده، گزینهٔ

**پی‌نوشت‌ها** .....

- ۱- علی‌نقی امیری، «تبيين رفتار مبتنی بر اختیار»، فرهنگ مدیریت، ش ۱۵، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱-۱۸۳.
- ۲- غلامرضا جمشیدپها و علی سلیمی، «پیشگیری از جرم در پیشینه تفکر اسلامی»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم، ۱۳۸۷.
- ۳- علمی سلیمی و همکاران، هم‌نشینی و کجروی: نگاهی به دیدگاه‌های اسلامی و یافته‌های اجتماعی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
- ۴- محمود میرخلیلی، پیشگیری وصفی با رویکرد سیاست جنایی اسلام، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
- ۵- علمی سلیمی و محمد داوری، جامعه‌شناسی کجروی، ص ۲۷۲-۲۷۳.
- ۶- همان، ص ۲۷۴.
- ۷- همان.
- ۸- جرج ریتزر، نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، ص ۲۶۹.
- ۹- همان، ص ۳۱۵.
- ۱۰- همان، ص ۲۸۷.
- ۱۱- ویلیام اسکیدمور، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه جمعی از مترجمان، ص ۸۵.
- ۱۲- همان.
- ۱۳- همان، ص ۱۰۵.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- جرج ریتزر، همان، ص ۹۵.
- ۱۶- همان، ص ۳۳۷-۳۳۹.
- ۱۷- همان، ص ۵۸۷.
- ۱۸- همان، ص ۵۹۴.
- ۱۹- همان، ص ۷۰۱-۷۰۷.
- ۲۰- همان، ص ۷۱۶.
- ۲۱- علی اصغر مقدس و علیرضا اسلام، «کاوشی در نظریه انتخاب عقلانی با تأکید بر آراء مایکل هکتر»، علوم اجتماعی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فرودسی مشهد)، ش ۱، ص ۱۷۹، به نقل از: جانانان اچ. ترنر، ساخت نظریه اجتماعی، ص ۱۷۵-۲۱۱.
- ۲۲- علمی سلیمی و محمد داوری، جامعه‌شناسی کجروی، ص ۲۷۹-۲۸۰.
- ۲۳- همان، ص ۳۰۹.
- ۲۴- همان، ص ۲۰۳-۲۰۴.
- ۲۵- همان، ص ۲۸۴.

فرد از دیدن، شنیدن و باور کردن زشتی‌ها و کاستی‌های گزینه مطلوب و زیبایی‌ها و امتیازات گزینه‌های بدیل، ناتوان شود، همچنان‌که انسان‌ها به دنیا دل می‌بندند چون از زشتی‌های آن بی‌خبرند.

**نتیجه‌گیری**

در این پژوهش محورهای اصلی نظریه‌گزینش عقلانی را در پنج مقوله خلاصه کردیم و آن را در جملاتی معرفی نمودیم. در قسمت مربوط به تحلیل منابع اسلامی، آیات و روایات مربوط و مرتبط با مقوله‌های تبیینی را ذکر کردیم. «انتخاب عقلانی» از نظریاتی است که جایگاه خاصی در مباحث نظری جامعه‌شناسی پیدا کرده است. تحلیل محتوای آیات قرآن کریم و روایات موجود در منابع اسلامی - مشخصاً منابع شیعی - ما را به این نتیجه رسانده است که این منابع در تحلیل‌های خود از رفتار کجروانه، به تمام محورهای مطرح‌شده در تحلیل‌های خرد، میان‌برد و کلان رویکرد گزینش عقلانی پرداخته‌اند و این رویکرد را به عنوان یکی از راه کارهای مهم در حوزه تبیین و کنترل کجروی به کار گرفته‌اند. بنابراین، منابع اسلامی به مفاهیم گزینش‌گری انسان، محاسبه‌گری انسان، احتمال خطای انسان در گزینش نهایی خود، احتمال تأثیرپذیری محاسبات و گزینش‌های انسان از عوامل پیرامونی جسمی، روانی، موقعیتی، ساختاری (اجتماعی، اقتصادی و...) و توجیه‌گری انسان برای بالا بردن ارزش انتخاب خود که در نظریه‌گزینش عقلانی مطرح هستند، پرداخته‌اند و بر آنها تأکید می‌کنند.

- ۲۶- حسن رحیم‌پور ازغدی، *عقلانیت بحثی در مبانی جامعه‌شناسی توسعه*، ص ۲۱-۳۷.
- ۲۷- علی اکبر قرشی، *قاموس قرآن*، ج ۲، ص ۳۱۷.
- ۲۸- سید محمدحسین طباطبائی، *المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۷، ص ۱۱۲-۱۱۳.
- ۲۹- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، *تفسیر نمونه*، ج ۲۰، ص ۳۰۹.
- ۳۰- حسن مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، ج ۲، ص ۲۱۱-۲۱۲.
- ۳۱- علی اکبر قرشی، همان، ج ۲، ص ۱۳۱.
- ۳۲- محسن قرائتی، *تفسیر نور*، ج ۷، ص ۲۳۲.
- ۳۳- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۲۰، ص ۶۱۶.
- ۳۴- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۲۷، ص ۳۱۴.
- ۳۵- همان، ج ۲۵، ص ۳۳۷.
- ۳۶- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۲۰، ص ۱۹۶.
- ۳۷- جمعی از مؤلفان، *روان‌شناسی اجتماعی: با نگرش به منابع اسلامی*، ص ۱۳۶-۱۳۷.
- ۳۸- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۲۰، ص ۶۱۶.
- ۳۹- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، همان، ج ۲۷، ص ۳۱۲.
- ۴۰- احمدعلی بابایی، *برگزیده تفسیر نمونه*، ج ۵، ص ۵۴۲.
- ۴۱- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۱۳، ص ۵۴۷.
- ۴۲- سید عبدالحسین طیب، *اطیب‌البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۵.
- ۴۳- سید محمدحسین حسینی همدانی، *انوار در خشان*، ج ۱، ص ۲۵۶.
- ۴۴- سید محمود طالقانی، *پرتوی از قرآن*، ج ۱، ص ۱۹۲.
- ۴۵- بروس کوئن، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، ص ۱۳۸.
- ۴۶- ملّا فتح‌الله کاشانی، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، ج ۷، ص ۳۳۶.
- ۴۷- علی سلیمی و دیگران، *همنشینی و کجروی: نگاهی به دیدگاه‌های اسلامی و یافته‌های اجتماعی*، ص ۱۵۷، به نقل از: محمودبن عمر زمخشری، *الکشاف*، ج ۳، ص ۱۴۰۷؛ ملّا فتح‌الله کاشانی، همان، ج ۷، ص ۱۹۸.
- ۴۸- ر.ک: علی سلیمی و دیگران، ص ۱۵۷.
- ۴۹- فضل‌بن حسن طبرسی، *جوامع‌الجامع*، ج ۵، ص ۴۶۰.
- ۵۰- سید محمدحسین طباطبائی، همان، ج ۱۵، ص ۱۸۱.
- ۵۱- جمعی از مترجمان، *تفسیر هدایت*، ج ۱۷، ص ۱۵۵.
- ۵۲- فضل‌بن حسن طبرسی، *مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۲۶، ص ۱۰۶.
- ۵۳- غلامعباس توسلی، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ص ۴۲؛ محمدکریم خدایپناهی، *انگیزش و هیجان*، ص ۱۵۸-۱۵۹.
- ۵۴- محمدبن علی صدوق، *من لایحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۳۸۰، ح ۵۸۱۴.
- ۵۵- کمال‌الدین وحشی بافقی، *مثنوی فرهاد و شیرین*، نسخه ۳.
- ۵۶- قاضی عبدالجبار، *تثبیت دلائل النبوة*، ج ۲، ص ۳۴۷-۳۴۸.
- ۵۷- محمدبن حسن طوسی، *التبیین فی تفسیر القرآن*، ج ۱، ص ۹۰.
- منابع** .....
- اسکیدمور، ویلیام، *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*، ترجمه جمعی از مترجمان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵.
- بابایی، احمدعلی، *برگزیده تفسیر نمونه*، چ سیزدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲.
- توسلی، غلامعباس، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، تهران، سمت، ۱۳۶۹.
- جمعی از مترجمان، *تفسیر هدایت*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
- جمعی از مؤلفان، *روان‌شناسی اجتماعی: با نگرش به منابع اسلامی*، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۲.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین، *انوار در خشان*، تهران، کتابفروشی، لطفی، ۱۴۰۴ق.
- خدایپناهی، محمدکریم، *انگیزش و هیجان*، تهران، سمت، ۱۳۷۶.
- رحیم‌پور ازغدی، حسن، *عقلانیت بحثی در مبانی جامعه‌شناسی توسعه*، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
- ریتزر، جرج، *نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۷۴.
- سلیمی، علی و دیگران، *همنشینی و کجروی: نگاهی به دیدگاه‌های اسلامی و یافته‌های اجتماعی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
- سلیمی، علی و محمد داوری، *جامعه‌شناسی کجروی*، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
- صدوق، محمدبن علی، *من لایحضره الفقیه*، چ دوم، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
- طالقانی، سید محمود، *پرتوی از قرآن*، چ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.

- طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴.
- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲.
- طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- طیب، سید عبدالحسین، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، چ دوم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸.
- عبدالجبار، قاضی، تثبیت دلائل النبوه، قاهره، دارالمصطفی، بی تا.
- قرائتی، محسن، تفسیر نور، چ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
- قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- کاشانی، ملّا فتح اللّه، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، کتابفروشی علمی، ۱۳۳۶.
- کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، چ هشتم، تهران، سمت، ۱۳۷۲.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- مقدس، علی اصغر و علیرضا اسلام، «کاوشی در نظریه انتخاب عقلانی با تأکید بر آراء مایکل هکتر»، علوم اجتماعی (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد)، ش ۱، بهار و تابستان، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵-۲۱۱.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.